

نکته‌ها یادداشت‌ها

یادداشت‌ها

بیژن صدیقی

اشاره

گاه خوانندگان، همکاران و صاحب‌نظران نکته‌هایی نغز یا نوشته‌هایی کوتاه، که توضیحی ارجمند یا تذکری بایسته است، مطرح می‌کنند که اگرچه ساختار مقاله ندارد اما دریغ است ناگفته بماند و به دید و نظر دیگران نرسد. از این پس پنجره‌ای می‌گشاییم با همین عنوان «یادداشت‌ها، نکته‌ها» تا مجال برای بازتاب این نظرگاه‌های دقیق و عمیق باشد.

خبری سخت ناخوش در لشکرگاه ... صاحب‌نظران بدین اعتقادند که تاریخ بیهقی پخته‌ترین نثر قدیم فارسی است و حق هم همین است. گرچه گلستان سعدی در گذشته و حال بیشتر خوانده شده و می‌شود و به قول شیخ «حد همین است سخن‌دانی و زیبایی را» ولی انصاف را بیهقی جایگاهی ویژه دارد تا آنجا که نصرالله منشی هم نتوانسته است با کلیله و دمنه‌اش جایگاه بیهقی را کسب کند، هر چند می‌دانیم که در پنجاه شصت سال قبل دبیرستانی نبود که کلیله و دمنه در آن

تدریس نشود و دبیران ادبیات دانش‌آموزان را برای نوشتن املا از آن آماده نکنند. ای کاش مؤلفان کتاب‌های فارسی امروز نیز در کتب دوره اول و دوم دبیرستان دو درس هم از این کتاب انتخاب می‌کردند؛ اگرچه باید گفت تاریخ بیهقی سراسر منتخب و گلچینی از نثر فارسی است.

تاریخ بیهقی یا مسعودی، و به قول عده‌ای تاریخ نصری، نیاز به نگرش‌هایی دیگر دارد. در اینجا به دو نکته از درس «قاضی بست» می‌پردازم.

در آنجا بیهقی آورده است: «خبری سخت ناخوش در لشکرگاه افتاده بود» احتمالاً قریب به اتفاق همکاران در کل کشور کلمه لشکرگاه را معادل مُعَسْکَرِ عربی و محل تجمع سپاه معنی کرده‌اند و این به دلیل عدم آگاهی آنان از جغرافیای افغانستان است. لشکرگاه نام شهری بوده - و هنوز نیز به همین اسم هست - در کنار رودخانه هیرمند. بنابراین منظور بیهقی در اینجا شهر لشکرگاه است و نه محل لشکریان و سپاهیان؛ و نه اینکه خبر بدی فقط در میان سپاهیان افتاده بوده باشد.

نکته دوم درباره کلمه مملکت و ممالک

است. امروزه کلمه مملکت، و جمع مکسر آن ممالک، معادل کشور و کشورهاست، اما در خراسان بزرگ دوره بیهقی به این معنی نبوده و مملکت در معنی شهر و شهرها به کار می‌رفته است.

مردم ترکیه امروز - که نیاکانشان در زمان سلطان محمود و با اجازه او از جیحون گذشتند و در زمان پسرش مسعود و در جنگ معروف دندانقان، که بیهقی به آن اشاره کرده، بساط غزنویان را در هم پیچیدند و در قرن بعد بر کل ایران و آناتولی مسلط و در قرن‌های بعد تبدیل به امپراطوری عثمانی شدند (ترکمان‌ها) - به جای شهر بیشتر از کلمه مملکت استفاده می‌کنند و وقتی ما (ترک‌ها) به زبان آن‌ها صحبت می‌کنیم اول خیال می‌کنند لهجه ما لهجه یکی از شهرهای خودشان ترکیه است، لذا می‌پرسند اهل کدام مملکت، یعنی شهر، هستید؟

بنابراین مملکت نیز در تاریخ بیهقی معادل شهر به کار رفته است و در این درس (قاضی بست سلطان مسعود دستور داده بود تا خبر سلامتی او را به غزنین و سایر شهرها بنویسند.